

جایگاه عوامل اجتماعی در شکل‌گیری ساختار شهرهای ایرانی

اصغر مولائی* - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
معصومه آیشم - دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

The Situation of Social Factors in the Forming of Iranian Cities Structure's

Abstract

The structure is one of the words that used in various fields of knowledge. This concept has also been introduced in the field of urbanism and has created an important topic called urban structure. Urban structure can be one of the targeted tools to recognize the city. Factors, elements and social features have been integral to human communities and consequently, it has had many effects on the city's formation. In this research, the explanation and clarification of the status of social factors in shaping the structure of Iranian cities has been studied. In this regard, the terminology and evaluation of the structure, urban structure, and further the recognition of social factors in the urban structure is presented. One of the important points in this research is the study of the roots and the origin of the occurrence of social factors in urban communities which is more important than the components of this important. The research method is analytical-documentary that the qualitative content analysis method was used to define concepts and formulate a conceptual framework. The method for collecting information is also libraries and documents. What is mentioned in the present study as a general result is that social factors play a significant role in the formation, evolution and especially the urban structure excellence and there is a two-way relation between the urban structure and social factors. Social factors in the form of physical representations have added spaces to the structure of Iranian cities, which is a valuable show of authenticity. The existence of this relation in addition to the evolution of urban structure, also promotes the promotion of social factors.

Keywords: Structure, City Structure, Community, Social Factors.

چکیده

ساختار از جمله مفاهیم پرکاربرد در حوزه‌های مختلف دانشی می‌باشد. این مفهوم با ورود به حوزه شهرسازی، موضوع مهم ساختار شهری را پدید آورده است. ساختار شهری را می‌توان از جمله ابزارهای هدفمند در بازشناسی شهر قلمداد نمود. عوامل، عناصر و ویژگی‌های اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر از اجتماعات انسانی بوده و به تبع آن تأثیرات بسیاری را در نحوه شکل‌گیری شهر وارد نموده است. در پژوهش حاضر به تبیین و تدقیق جایگاه عوامل اجتماعی در شکل‌گیری ساختار شهرهای ایرانی پرداخته شده است. در این راستا این پژوهش با هدف بازشناسی جایگاه عوامل اجتماعی در چیدایش ساختار شهرهای ایرانی، به واژه‌شناسی و بررسی ساختار، ساختار شهری پرداخته و در ادامه بازشناسی عوامل اجتماعی در ساختار شهری آورده شده است. یکی از نکات مهم در این پژوهش، بررسی ریشه‌ها و سرمنشا بروز عوامل اجتماعی در اجتماعات شهری که مقدم‌تر از مولفه‌های این مهم می‌باشد، است. روش تحقیق تحلیلی-اسنادی است که برای تنظیم مفاهیم و تدوین یک چارچوب مفهومی از روش «تحلیل محتوای کیفی» استفاده گردید. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. آنچه که در مطالعه حاضر به عنوان نتیجه کلی می‌توان مورد اشاره قرار داد این است که عوامل اجتماعی در شکل‌گیری، تکامل و خاصه تعالی ساختار شهری نقش بسزایی را ایفا نموده و یک رابطه دو طرفه بین این دو امر وجود دارد. عوامل اجتماعی در قالب نمودهای کالبدی، فضاهایی را به ساختار شهرهای ایرانی افزوده‌اند که نمایشی بالارزش از اصالت است. وجود این رابطه علاوه بر تکامل ساختار شهری، موجبات ارتقا عوامل اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: ساختار، ساختار شهر، اجتماع، عناصر اجتماعی.

۱- مقدمه

ساختار یکی از مفاهیم مهم در پژوهش های مربوط به انسان بویژه مطالعات شهری است که شناخت، تحلیل و توجه به آن در برنامه ریزی، مدیریت و طراحی شهری حائز اهمیت می باشد. ساختار شهر را می توان ابزاری در جهت بازشناسی شهر قلمداد نمود. عوامل اجتماعی همچون تعاملات اجتماعی، همبستگی، نیازهای اجتماعی و سنت ها و آیین های فرهنگی و اجتماعی که نقش مهمی در سبک زندگی و ساختار شهرهای ایرانی دارند. چرا که کم توجهی به آن، موجب تبعات منفی و رشد شهری نامتناسب و پیدایش مسائل شهری در ابعاد فضایی، کالبدی، دسترسی، و کارکردی می شود. بی نظمی در پراکنش بناهای عمومی، برهم خوردن آسایش و آرامش شهروندان، آشفته گی فضایی و عملکردی، دشواری خدمات رسانی به شهروندان، اتلاف وقت و انرژی از جمله این تبعات می باشد. بنابراین مهمترین مساله تحقیق ضرورت بازشناسی ساختار شهری با تاکید بر مولفه اجتماعی و جایگاه آن در ساختار شهرهای ایرانی است.

در پژوهش حاضر با توجه به سوالات و اهداف، در ابتدا به بررسی مفهوم ساختار، ساختار در حوزه های مختلف و ساختار در شهر پرداخته شده است. در ادامه با توجه به مطالعات متنوع صورت گرفته پیرامون موضوع ساختار شهری، مولفه های تشکیل دهنده ساختار شهری تبیین گردیده است. در شهرهای ایرانی به تبع وجود پایدی به دین در ادوار مختلف، نقش عوامل اجتماعی بسیار پررنگ تر بوده و در به نظر می رسد در آمیختگی با کالبد، ساختار در شهر را شکل می دهند. در همین راستا در ادامه تحقیق، به بررسی عوامل اجتماعی و ریشه یابی سرمنشا شکل گیری عوامل اجتماعی (که خود ریشه ها منجر به تدقیق در قالب ارائه مولفه ها می گردد) پرداخته شده و نمودهای اجتماعی و کالبدی این ریشه ها در ساختار شهرهای ایرانی به مطالعه و بررسی گذاشته شده است.

۲- اهداف، پرسشها، روش و فرآیند پژوهش:

هدف پژوهش حاضر، تبیین و تدقیق جایگاه عوامل اجتماعی، در شکل گیری ساختار اجتماعی است. به عبارت دیگر در این مقاله سعی بر روشن نمودن این موضوع است که مولفه های اجتماعی در ساختار شهری دارای چه نقش و مصادیقی است. در این راستا پرسش های پژوهش حاضر عبارت است از: مولفه ها و سنجه های عوامل اجتماعی در ساختار شهرهای ایرانی چیست؟ مصادیق عوامل اجتماعی تاثیرگذار در ساختار شهرهای ایرانی کدامند؟

با توجه به پرسش های فوق، تحقیق حاضر نیازمند روش تحقیق تحلیلی-اسنادی است که برای تنظیم مفاهیم و تدوین یک چارچوب مفهومی از روش "تحلیل محتوای کیفی" استفاده شده است. برای بررسی محتوای آشکار پیام های موجود در یک متن، می توان از این روش استفاده نمود. "این فن به تحلیل و آنالیز محتوا پرداخته و به پژوهشگر کمک می کند تا با استفاده از تحلیل، داده هایی را در مورد متن استخراج نماید. تحلیل محتوای کیفی فنی است که به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده ها در مورد متن آن ها به کار می رود. تحلیل محتوا قرار دادن قاعده و محتوای ارتباطات در طبقات خاص بر اساس قواعد و تحلیل روابط بین آن مقوله هاست. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت هایی می رسد، نمود می یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده های متنی از طریق فرایندهای طبقه بندی نظام مند، کدبندی، و طراحی الگوهای شناخته شده دانست" (Hsieh & Shanon, ۲۰۰۵). فرایند انجام تحقیق به این صورت است که پس از طرح مساله و ضرورت آن به مفهوم ساختار، ساختار شهری و عوامل اجتماعی پرداخته می شود. سپس عوامل اجتماعی موثر در شکل گیری و تکامل ساختار شهرهای ایرانی بررسی شده و در پایان جمع بندی و نتیجه گیری ارائه می شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۲۲

۳- مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

۳-۱- واژه شناختی ساختار

کلمه «Structure» را می توان از جمله کلمات پرکاربرد نامید که در حوزه های مختلف ورود کرده و پیرامون آن بحث و بررسی شکل گرفته است. واژه «Structure» در فرهنگ لغت آکسفورد^۱، نظم و سازماندهی عناصر مرتبط در یک شیء و یا سیستم مادی تلقی شده است. در واژه نامه ویستر^۲ «Structure» به معنای عناصر نظم یافته در داخل یک سیستم با الگوی مشخص می باشد. در لغت نامه کمبریج^۳ «Structure» انتظام بخش، بخش هایی از یک سیستم عنوان شده است.

معادل های فارسی استفاده شده برای واژه «Structure»، کلماتی نظیر ساخت، ساختار، شالوده، ساختمان، اساس، بنیاد، ریشه، شاکله، اسکلت، استخوان بندی و ... است؛ که واژه ساخت و ساختار پرکاربردتر می باشد. به نظر می رسد کلمه ساخت معادل واژه «Construction» بوده و تعاریف موجود در فرهنگ لغت های فارسی زبان از واژه ساختار تشابه بیشتری با تعاریف لغت «Structure» در زبان انگلیسی دارد. بر همین اساس در پژوهش حاضر واژه ساختار به عنوان معادل در نظر گرفته شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

در فرهنگ فارسی معین در دو بخش معنی شده است: "۱- چگونگی ساختمان چیزی ۲- ترتیب اجزا و بخش های یک جسم". فرهنگستان زبان و ادب فارسی واژه ساختار را یک سازمان درونی متشکل از واحدهای کوچک تر عنوان می کند. "در فرهنگ علوم انسانی نیز در تعریف واژه Structure

دو کلمه ساخت و ساختار پیشنهاد گردیده است" (آشوری: ۱۳۸۴). در فرهنگ اصطلاحات فلسفه علاوه بر این دو واژه، واژه نظام نیز آمده و در توضیح واژه، با عبارت «رابطه ثابت و قانونمند بین اجزاء و عناصر یک نظام یا یک کل» تعریف شده است (بابایی، ۱۳۸۶). ساختار در فرهنگ سخن به صورت ترتیب و چگونگی قرار گرفتن اجزاء یا چگونگی ساختمان چیزی؛ مجموعه عناصر تشکیل دهنده یک اثر ادبی یا هنری و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر تعریف شده است (انوری، ۱۳۸۱).

آنگونه که به نظر می رسد در تعریف واژه ساختار به صورت عام، دو موضوع مهم بیشترین توجه را به خود جلب می کند: وجود رابطه بین اجزای یک کل و وجود رابطه میان اجزا با کل. وجود رابطه بین اجزای تشکیل دهنده یک کل و رابطه بین اجزا و به تبع آن بررسی این ارتباطات و نحوه چینش اجزا در ساختار از محوریت های مهم در بررسی ساختار در حوزه های دانشی می باشد. جستجوی چپستی، چرایی مفهوم ساختار بطور عام و بطور خاص در شهرسازی را می توان با کمک علل اربعه واکاوی نمود. همانطوری که جدول زیر نشان می دهد علل اربعه ساختار با مفهوم نظم، سلسله مراتب، کمال و سعادت در کارکردهای هر پدیده نظام مند از جمله شهر در ارتباط است.

۳-۲- مفهوم ساختار در حوزه های مختلف

در بررسی تحولات این کلمه می توان گفت که تا قرن هفدهم میلادی این کلمه به معنای استخوان بندی در قلمرو معماری به کار می رفت. پس از آن، در علم زیست شناسی و به معنای اجزای ساختمان

جدول ۱- علل اربعه ساختار و ساختار شهری (ماخذ: نگارندگان)

علل	ساختار	ساختار شهری
علل صوری	نظم سلسله مراتبی بین اجزا و کل یک پدیده ساختارمند	استخوان بندی شهری؛ قلب تپنده شهری همچون بازار و مسجد جامع
علل مادی	ترتیب و ترکیب نظام مند اجزاء، سلسله مراتب اجزاء	ساختار شبکه معابر و کانونهای عملکردی و؛ مناطق، نواحی و محلات
علل فاعلی	ناظم، خالق، طراح و سازنده پدیده ساختارمند	طراحان شهری؛ معماران؛ مدیریت شهری و مردم
علل غایی	انتظام مطلوب در کارکردهای مربوطه، هدفمندی، پی بردن به عظمت خالق در نظم مخلوقات خداوندی	عملکرد صحیح و نظام مند شهر؛ آسایش و آرامش شهروندان؛ زندگی مطلوب شهروندان؛ سعادت شهروندان

1.Oxford Dictionary 2. Merriam-Webster Dictionary 3.Cambridge Dictionary

بدن به کار گرفته شد و همچنین به ادبیات نیز راه یافت. در قرم نوزدهم هربرت اسپینر این کلمه را از زیست شناسی به علوم اجتماعی وارد کرد. به هر حال، این کلمه بیشتر در زبان شناسی و به معنای «توالی واحدهای زبانی که در ارتباط خاص با یکدیگر قرار دارند» به کار می رفت. منظور از کلمه ساختار چیزی نیست جز ترتیب خاص همبستگی اجزای یک مجموعه برای منظوری معین، مثل ساختار اجزای بدن و شیوه ای که این اجزا با یکدیگر همکاری می کنند. البته باید در نظر داشت که فردینان دوسوسور بیشتر از کلمه نظام استفاده می کند و کلمه ساختار بیشتر در آثار اشتراوس و بارت به چشم می خورد (خاتمی، ۱۳۸۶: ۵۲۸-۵۲۷).

همانگونه که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت؛ واژه ساختار در حوزه های دانشی بسیاری ورود کرده و به تبع آن در هر حوزه تعریف و جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. حوزه هایی نظیر: معماری، شهرسازی، مهندسی، هنر، زیست شناسی، شیمی، فیزیک، جغرافیا، علوم رایانه، ریاضیات، علوم اجتماعی و زبان شناسی، فلسفه، ادبیات، علوم مالی و اقتصادی و موسیقی و ... واژه ساختار را در ادبیات و مبانی خود وارد کرده و بهره برده اند. در ادامه این حوزه های دانشی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است.

یکی از نظریات رایج در حوزه فلسفه و علوم اجتماعی که در گذر زمان در سایر حوزه ها نظیر علوم طبیعی نیز وارد گردیده است؛ نظریه ساختارگرایی می باشد. نظریه ساختارگرایی در اندیشه ها و تئوری های فردینان دوسوسور زبان شناس معروف فرانسوی ریشه دارد. این نظریه با نفی معانی و مفاهیم مستقل، همه مفاهیم، دال ها و نشانه ها برپایه ربط و نسبت، تبیین و تفسیر می کند. در یک تعریف روشن، ساختارگرایی را می توان به «جست و جوی قوانین کلی و تغییرناپذیر بشریت با عملکردی در همه سطوح زندگی از ابتدایی گرفته تا پیشرفته

ترین سطح آن» (ریتزر، ۱۳۸۷: ۵۴۳) تعریف کرد. بررسی بیشتر آثار، سخنان و نظریات اندیشمندان ساختارگرا یک ویژگی مهم و مشترک را به منصه ظهور می رساند و آن غیرمشاهده و نامرئی بودن آن است.

تفکر و نگرش ساختارگرایی در فاصله سال های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی به عنوان عکس العملی در مقابل ایده های مندرج در تفکر عملکردگرایی عینیت پیدا کرده و نقطه و شروع آن را می توان جلسه اترلو در سال ۱۹۵۹ میلادی دانست که با حضور کسانی چون لویی کان، کنزو تانگه و اعضای گروه ۱۰ تشکیل شد. بسیاری از ساختارگرایان، یک ساختار را به طور کلی به این نحو تعریف می کنند: ساختار عبارت است از مجموعه ای از روابط که در آنها عناصر می توانند تغییر یابند، ولی به شکلی که متکی به کل باقی مانده و مفهوم خود را حفظ کنند. روابط بین عناصر مهمتر از خود عناصر است. عناصر (المانها) دارای قابلیت تغییر درونی اند ولی روابط آنها ثابت باقی می ماند (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۲).

سوسور از نظریه پردازان حوزه زبان شناسی، به جای بررسی تحولات تاریخی آواها، ریشه کلمات و دستور زبان، به کندوکاو و مطالعه در ساختار زبان و بررسی عناصر ثابت و روابط میان آن ها پرداخته و براساس آن، پایه های علم زبان شناسی جدید را بنیان نهاد. این گونه نگرش سوسور در علوم زبان شناختی به سایر حوزه های دانشی نظیر: حوزه مطالعات اجتماع محور، انسان شناسی، علوم محیطی و ... نفوذ نموده و به عنوان یک مکتب فکری قلمداد شد.

واژه ساختار در علوم مهندسی خاصه مهندسی عمران نیز از جمله موضوعات مهم و کلیدی می باشد. مهندسی سازه از گرایشات رشته عمران، به مطالعه، بررسی و تحلیل در حوزه ساختار سازه ها می پردازد. مطالعه مقاومت سازه های طراحی شده در برابر حوادث و عوامل طبیعی و غیرطبیعی، کارآیی آن و زیبایی و تمایل مردم به استفاده و بهره

برداری از آن از جمله محوریت های پراهمیت در بحث ساختار سازه ها می باشد.

در پیکره هر موجود زنده، استواری و قوام به مدد اسکلت اصلی و حرکت و فعالیت در اندامها نیز به کمک اجزای این استخوان بندی اصلی و مفصل آن امکان پذیر می گردد. وجود ساختار در همه موجودات زنده و گیاهان و ... از جمله مهمترین اصول آفرینش به شمار می رود. واژه ساختار در حوزه مطالعات طبیعی نیز از جمله محوریت های کلیدی بوده که کاربرد گسترده ای را در این حوزه به نمایش می گذارد. واژه ساختار در حوزه مطالعات معماری شهرسازی نیز وارد شده و تاثیر بسیاری در بحث مبانی نظری را داشته است. در ادامه به بررسی ساختار در حوزه مطالعات شهری (ساختار شهری) پرداخته شده است.

۳-۳- ساختار در حوزه مطالعات شهری (ساختار شهری)

نگاهی به مفهوم نظم و جایگاه آن در انتظام بخشی به آن حاکی از آن است که نظم همان جوهره ساختار شهری در تمامی ابعاد آن می باشد. همان طوریکه ساختار بدن انسان متأثر و متشکل از استخوان بندی بدن به همراه سایر شبکه های

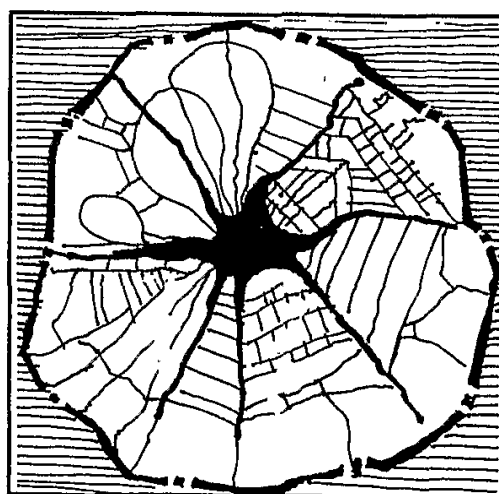
منطبق بر آن همچون اعصاب و عروق به همراه قلب و مغز می باشد؛ ساختار شهر از چنین الگو های نظم دهنده برخوردار است. فلامکی (۱۳۹۶) و بیکن (۱۳۷۶) نیز تلویحاً به این موضوع اشاره دارند که تبیین نظم پیش تعریف طرح ساختار شهری می باشد. موجودات زنده نظیر درخت از استخوان بندی منظم ناشی از رشد طبیعی و ارگانیک برخوردار است. اندیشمندانی همچون کریستوفر الکساندر، ساختار رشد شهری را شبیه به ساختار درخت تبیین کرده، اما بعد از چند سال با ارائه نظریه معروف "شهر درخت نیست" به بیان پیچیدگی های موجود در شهر و ساختار غیردرختی شهرها پرداخت. امری که بر وجود عوامل غیرفیزیکی و غیر متابولیسمی همچون عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و تاثیر آنها بر ساختار شهر در گذر زمان، تاکید می نماید.

ساختار شهر در نگرش ها و مکاتب مختلف، معیارهای گوناگونی را به نمایش می گذارد. در دیدگاه متابولیست ها ویژگی های ساختار شهری در قالب چهار موضوع مطرح می شود: شبکه دسترسی و راه های اصلی شهر، تراکم شهری، ارتباط با محیط زیست، کاربری و اختلاط آن. شبکه دسترسی و راه

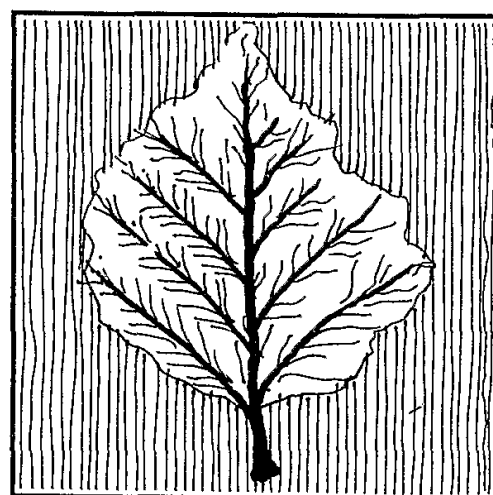
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۲۵

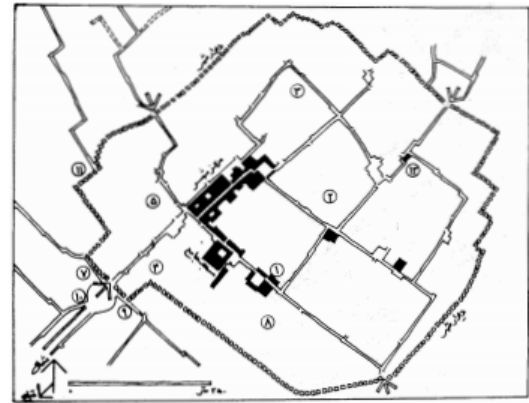
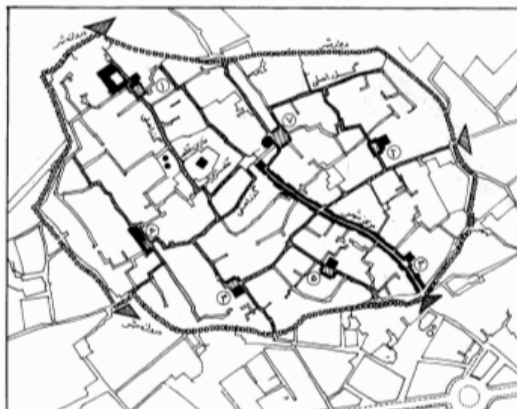


استخوانبندی درونی شهرهای معاصر



استخوانبندی درونی برگ درخت

شکل ۱- استخوان بندی درخت و شهر (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶: ۳۸).



شکل ۳- ساختار بافت کهن شهرهای نائین و زواره (توسلی، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۲۷

و پایدار و متداوم شهر را شکل داده، فرم، اندازه، کارکردها و هویت اصلی آن را ایجاد نماید. عناصر اصلی مانند شریانها و شبکه های اصلی رفت و آمد و مراکز شهری، جز استخوانبندی اصلی به شمار آمده، سایر ابنیه بیانین آنها در زمره پرکننده ها می باشند. این شبکه مراکز و محورها با سازماندهی معین، زندگی و فعالیت را در شهر سامان می بخشد و شکل می دهند. استخوانبندی شهر مستقیماً با حیات شهر و چگونگی فعالیت های آن مرتبط است، از این رو به عنوان یک مبحث زیربنایی در زمینه های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی در حیات شهر مطرح می شود. استخوانبندی شهر در جریان سیر تحول آن شکل گرفته و کامل می شود لذا عنصری پویا و تاریخی شمرده می شود و بروز تفاوت هایی در عناصر شهری، اعم از اینکه محدود یا متنوع باشند استخوانبندی فضایی شهر و سیر تحول آن را دگرگون نمی کنند، این الگو تنها در صورتی دگرگون می شود که ماهیت ادواری شهر و سیر تحول آن متحول و دگرگون شود. استخوانبندی شهر نمایانگر توسعه و تحول شهر در یک مفهوم ادواری است و عاملی است که برای یک شهر و ساکنان آن هویت مشخصی ایجاد می نماید، بدین منظور انسجام و پیوستگی بین مجموعه هایی از عناصر شهری بسیار موثرتر از تک عناصری هستند که در گستره شهر پراکنده شده اند (حمیدی و دیگران،

تشخیص ساختار شهری، مولفه هایی ذهنی نیز نظیر مولفه های عینی مهم و تاثیر گذار هستند. بخشی دیگر از موجودیت هایی که به شهر، واقعیت فعال، کارآیی پایدار و تشخیصی ویژه می بخشند و آن را از سایر گونه های زیستگاه های انسانی جدا می کنند، ساختارهایی اند که الزاماً وجه کالبدی دارند و در پهنه شهرها، با کمیت ها و توان های کاربردی نابرابر حضور دارند. آن ها حیثیت ساختاری شهر را تعریف می کنند. این ساختارها را می توان شامل این موارد دانست: شبکه های خدمات رسانی فنی-رفاهی شهری (آبرسانی، دفع و دور کردن فاضلاب، شبکه های روشنایی، شبکه های راه یابی شهری و خاصه تامین سرمایش و گرمایش فضاهای ساخته شده)، موجودیت شهر ساختی و جاذبه های شهر، پیوستگی و وابستگی های شهر با محیط طبیعی (استقرار و اتکا شهر بر سطح زمین، استمرار زندگی در محیط طبیعی، بهره-وری از شرایط زیرین زمین) (فلامکی، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۲۲). شکل زیر ساختار بافت کهن شهرهای تاریخی همچون نائین و زواره را نشان می دهد که متأثر از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و اقتصادی است.

شهر به عنوان یک ساختار کالبدی که پیکره ای مشخص و رشد یابنده دارد باید دارای اسکلت یا استخوان بندی (Main Structure) از ارکان و عناصر اساسی خود باشد که محکم و استوار، بدنه ثابت

جدول ۲- مولفه های شکل گیری و تشخیص ساختار شهری از دیدگاه نظریه پردازان و گروه های مختلف؛
مأخذ: نگارندگان.

ردیف	پژوهشگر/سازمان	توصیف ساختار شهری	منابع و ماخذ
۱	کرین	ساختار اصلی شهر (سیستم حرکت شهر، سیستم فضای باز و سبز شهری، خدمات بخش عمومی، تاسیسات زیربنایی شهری)، ساختار فرعی شهر.	(اهری، ۱۳۹۵)
۲	TEN TEAM	پایداری، مقیاس اندازه بزرگتر.	
۳	Kevin Lynch	راه، لبه، نشانه، گره و حوزه (منطقه).	(لینچ، ۱۳۷۲)
۴	Bill Erickson	فضاهای عمومی، ساختار حرکتی، اختلاط عملکرد و فعالیت، ساختمان های عمومی، محیط اکولوژیک و محوطه سازی ها، سلسله مراتب.	
۵	Edmund Bacon	شبکه های ارتباطی و ساختمان های اصلی، ساخت اصلی شهر را تشکیل داده و نیروی سازمان دهنده شهر محسوب می شوند.	(بیکن، ۱۳۸۶)
۶	Cheng & et al	فرم شهری، فرم تجمعی مردم، حمل و نقل، جریان کالا و اطلاعات؛ نظم و رابطه بین عناصر کالبدی و کاربری ها.	(Cheng & et al, 2006)
۷	Bertaud	توزیع فضایی جمعیت، مقاصد و الگوهای سفر مردم که منتهی به وقوع پیوستن یک فعالیت می گردد، عناصر مهم و عمومی و مراکز تجمعات مردمی.	Bertaud, 2001
۸	Rodrigue & et al	ارتباطات ناشی از فرم شهری، فرم تجمعات مردمی، حمل و نقل، جریان کالا و اطلاعات.	Rodrigue & et al, 2009
۹	حمیدی	شریانها و شبکه های اصلی رفت و آمد و مراکز شهری، چگونگی فعالیت های شهر، زمینه های اقتصادی-اجتماعی.	(حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶)
۱۰	بحرینی	محورهای اصلی ارتباطی، فضاهای باز عمده و بناهای عمومی، تمرکز فعالیت های اقتصادی، سیاسی و حکومتی، فرهنگی و مذهبی و فراغتی، موجبات تمرکز روابط اجتماعی.	(بحرینی و دیگران، ۱۳۸۸)
۱۱	بذرگر	عوامل محیطی و طبیعی، پایداری، تردد اجتماعی، مقیاس عملکردی، اهمیت کارکردی، عرصه عمومی، اندازه، جنبه های نمادین، رابطه فضایی.	(بذرگر، ۱۳۸۲)
۱۲	ذکاوت	فضاهای شهری، محور مجهز شهری، خیابان های اصلی شهر، کانون ها و محورهای فعالیت و جمعیت، نمادها و ساختمان های مدنی، نشانه های شهری، پدیده های دروازه های، گره ها و کانون های متمرکز، تمرکز های ارتفاعی، اندام های طبیعی شهری.	(ذکاوت، ۱۳۹۰)
۱۳	نظریان	الگوهای کاربری اراضی شهری، فرم، شکل و طرح حوزه های شهری و نحوه توزیع فعالیت ها، عناصر و اجزای ترکیب دهنده شهر.	(نظریان، ۱۳۷۰)
۱۴	زیاری	الگوهای کاربری اراضی شهری، فرم و شکل و طرح حوزه های شهری و نحوه توزیع فعالیت ها، عناصر و اجزای ترکیب دهنده شهر.	(زیاری، ۱۳۷۸)
۱۵	فلامکی	شبکه های خدمات رسانی فنی-رفاهی شهری (آبرسانی، دفع و دور کردن فاضلاب، شبکه های روشنایی، شبکه های راه یابی شهری و خاصه تامین سرمایش و گرمایش فضاهای ساخته شده)، موجودیت شهر ساختی و جاذبه های شهر، پیوستگی و وابستگی های شهر با محیط طبیعی (استقرار و اتکا شهر بر سطح زمین، استمرار زندگی در محیط طبیعی، بهره وری از شرایط زیرین زمین	فلامکی، ۱۳۹۶
۱۶	منتظری	عوامل محیطی-طبیعی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی-مدیریتی، عوامل انسانی، عوامل کالبدی.	(منتظری و دیگران، ۱۳۹۶)
۱۷	منصوری	مرکزیت، کل های کوچکتر، عناصر پیوند دهنده کل های کوچکتر، قلمرو	(منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۶)

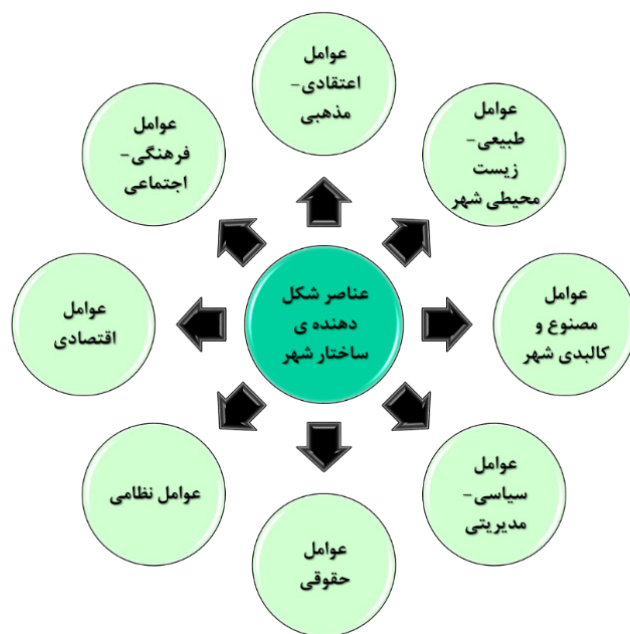
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۲۹

مولفه ها و سنجه های مطرح شده، ارائه یک دسته بندی کامل تر را تسهیل می نماید. آنچه که با توجه به مطالب تحقیق شده بر می آید؛ مشخصه های تبیین ساختار شهر به صورت کلی در هشت محوریت قابلیت بررسی را دارند: عوامل طبیعی-زیست محیطی شهر، عوامل مصنوع شهر، عوامل سیاسی، عوامل حقوقی، عوامل نظامی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و عوامل اعتقادی-مذهبی.

در هشت محوریت قابلیت بررسی را دارند: عوامل



شکل ۵- عناصر شکل دهنده ساختار شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

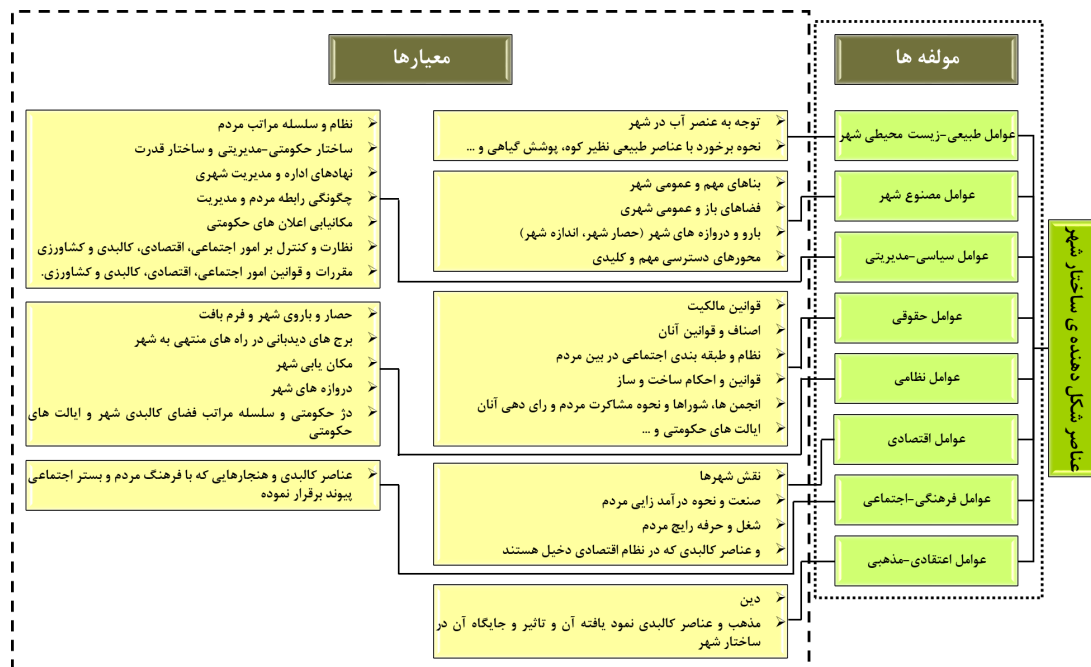
مردم، قوانین و احکام ساخت و ساز، انجمن ها، شوراهای و نحوه مشارکت مردم و رای دهی آنان، ایالت های حکومتی و ... موارد مهم تاثیر گذار در مطالعات حقوقی هستند. عوامل نظامی، در رابطه با حصار و باروی شهر و فرم بافت، برج های دیدبانی در راه های منتهی به شهر، مکان یابی شهر، دروازه های شهر، دژ حکومتی و سلسله مراتب فضای کالبدی شهر و ایالت های حکومتی به مطالعه و بررسی می پردازد. در عوامل اقتصادی، نقش شهرها، صنعت و نحوه درآمد زایی مردم و شغل و حرفه رایج مردم و عناصر کالبدی که در نظام اقتصادی دخیل هستند مورد بررسی و ارزیابی قرار داده می شود.

در عوامل فرهنگی-اجتماعی عناصر کالبدی و هنجارهایی که با فرهنگ مردم و بستر اجتماعی پیوند برقرار نموده، چگونگی این پیوند-تعامل بررسی می گردد. و عوامل اعتقادی-مذهبی که به نوعی برآمده از دل عوامل فرهنگی-اجتماعی بوده، و به دلیل اهمیت آن در شهرهای ایرانی و نحوه شکل دهی به شهرهای ایرانی در بخش جداگانه ای و به صورت جزئی تر بررسی گردیده؛ موضوعاتی نظیر:

عوامل طبیعی-زیست محیطی شهر محوریت هایی نظیر توجه به عنصر آب در شهر و نحوه برخورد با عناصر طبیعی نظیر کوه، پوشش گیاهی و ... در می گیرد. عوامل مصنوع و انسان ساخت شهری که در تشخیص ساختار شهری نقش مهمی را ایفا می کند نیز شامل بناهای مهم و عمومی شهری، فضاهای باز و عمومی شهری، بارو و دروازه های شهر (حصار شهر، اندازه شهر)، محورهای دسترسی مهم و کلیدی می باشند.

عوامل سیاسی-مدیریتی به نوعی در چگونگی نقش سیاسی شهر نقش ایفا می کند، صحبت می نماید. نظام و سلسله مراتب مردم، ساختار حکومتی-مدیریتی و ساختار قدرت، نهادهای اداره و مدیریت شهری، چگونگی رابطه مردم و مدیریت، مکانیابی اعلان های حکومتی، نظارت و کنترل بر امور اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و کشاورزی و مقررات و قوانین امور اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و کشاورزی.

عوامل حقوقی در رابطه با قوانین مالکیت، اصناف و قوانین آنان، نظام و طبقه بندی اجتماعی در بین



شکل ۶- مولفه ها و معیارهای ساختار شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۳۱

شوند. مطالعه عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر ساختار شهر را می توان از جمله محوریت های مهم عنوان نمود؛ که بررسی و ارزیابی این امر زمینه مداخلات دقیق، کارآ و سودمند در بستر شهری را فراهم می سازد.

بحث سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نظریه پردازان متعددی بوده که این موضوع را تعریف و تئوری های مختلفی را مطرح نموده اند. در کنار این امر به ارائه مولفه ها و سنجه های سرمایه اجتماعی نیز پرداخته اند. بورديو از جمله نظریه پردازان حوزه جامعه شناختی متاخر می باشد. وی اشکال سرمایه های یک شهر را در قالب چهار محوریت مطرح می کند: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین. در تعریف سرمایه اجتماعی بورديو به این مهم اشاره می کند: "سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که در نتیجه ایجاد شبکه ای از روابط کمابیش نهادینه شده ای همچون شناخت متقابل و آشنایی شکل گرفته اند. این شبکه نیز محصول راهبردهای سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه

دین، مذهب و عناصر کالبدی نمود یافته آن و تاثیر و جایگاه آن در ساختار شهر مورد مطالعه قرار داده می شود.

در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر عوامل و عناصر اجتماعی در شکل گیری، توسعه و گسترش ساختار شهری پرداخته شده است. در ادامه مطالعات ساختار اجتماعی، عوامل، عناصر، مصادیق و نمودهای آن در کالبد شهری آورده شده و سپس تاثیر و تاثیر و جایگاه آن در ساختار شهر به مطالعه و ارزیابی گذاشته شده است.

۳-۵- عوامل و عناصر اجتماعی تاثیرگذار بر ساختار شهری

در چند دهه گذشته شهرها بستر شکل گیری تعاملات اجتماعی بوده است. روابط اجتماعی، تعاملات اجتماعی و رفتاری، وجود ساختار اجتماعی در محله، روابط و دیدار های چهره به چهره، احساس تعلق و ... از ویژگی ها، عوامل و ارزش های اجتماعی جاری و ساری در مکان های شهری هستند. امروزه این عوامل، ویژگی ها و عناصر اجتماعی در حوزه شهرسازی با عنوان سرمایه اجتماعی نامیده می

ای است و هدف آن ها، بازتولید روابطی اجتماعی است که می شود در دراز مدت یا کوتاه مدت مستقیم از آن ها استفاده کرد" (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۳۴). در بازتعریف سرمایه فرهنگی نیز آورده شده است: "سرمایه فرهنگی در سه گروه مطرح و بررسی می گردد: سرمایه فرهنگی متجسد، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه شده. سرمایه فرهنگی متجسد خصایص دیرپای فکری و جسمی است که در وجود شخص متبلور می شود. سرمایه فرهنگی عینیت یافته صورت مادی سرمایه متجسد است و به شکل کالاهای فرهنگی مشاهده می شود مانند تصاویر، کتاب ها، انواع ماشین و ابزار قابل انتقال و در نهایت سرمایه فرهنگی نهادینه شده شکلی از عینیت یافتگی که به مدارج آموزشی و امتیازات ضمانت شده متکی است مانند مدارک تحصیلی" (همان، ۱۴۷-۱۳۷).

در دهه های گذشته تحقیقات متعددی در زمینه اندازه گیری سرمایه ی اجتماعی و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن صورت گرفته است و هریک از نظریه پردازان بسته به تعریفی که از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند، ابعاد و شاخص های متفاوتی را برای سنجش آن بیان نموده اند. لیدن و کوین (۲۰۰۳) سرمایه اجتماعی را متشکل از پیوند همسایگی، شبکه اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی عنوان می کنند. اونیکس و بولن (۱۹۸۹) نیز در مطالعه و پژوهش خود در رابطه با معیارها و شاخص های مرتبط با سرمایه اجتماعی این محوریت ها را مطرح نموده است: شرکت در اجتماع محلی، مشارکت مدنی، اعتماد و امنیت، ارتباط با خانواده و دوستان، مدارا و تحمل تفاوت ها و احساس اثرگذاری و کارایی.

براساس دیدگاه بوردیو، جامعه مدرن با گستردگی و وسعت خود به فضاهایی خرد تقسیم می شود که آنها را میدان نامیده است. «هر صورت بندی اجتماعی، به واسطه مجموعه ای از میدان های گوناگون ساخته می شود که به نحو سلسله مراتبی

سازمان یافته اند. بدین ترتیب هر میدان نسبتا مستقل است اگر چه با میدان های دیگر، هومولوگ ساختاری دارد» (پرستش، ۱۳۸۵: ۷). امس راپاپورت که از جمله اندیشمندان فرهنگ گراست، معتقد است عامل فرهنگی و بویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس انتظام بخشی زیستگاه های انسانی بوده است. وی مذهب و مقدسات مردم را عنصر اساسی نظم دهی به سکونتگاه ها دانسته که غالباً به شیوه ای نمادگرایانه صورت می گرفته است (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

سرمایه اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی است که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی در میان شبکه اجتماعی در سطح محله های شهری از وسعت و عمق بیشتری برخوردار است؛ زیرا حس همبستگی اجتماعی، اعتماد میان شهروندان و کنترل های غیررسمی که امروزه همگی در بحث های نظری از مؤلفه های سرمایه اجتماعی به شمار می روند، در سطح محله های شهری شکل می گیرند و انتظام می یابند. فضاهای شهری خاصه فضاهای عمومی شهر، مکان تعامل و رفتارهای شهروندی است و روح اجتماعی و احساس تجانس اجتماعی را در خود شکل می دهد (Putnam, ۱۹۹۵).

در واقع، اهمیت عناصر و سرمایه های اجتماعی به حدی است که فوکویاما زندگی در جامعه ی دارای سرمایه ی اجتماعی را ساده دانسته، نارسایی ها و مشکلات رو به رشد کشورهای غربی را ناشی از فرسایش و تحلیل رفتن سرمایه ی اجتماعی می داند (فوکویاما، ۱۳۸۵). در جامعه امروزی سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمتری را ایفا می کند؛ به گونه ای که در فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه های یک شهر ناکارآمد جلوه می کنند. از این روی بحث سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در شهر، نقش بسیار مهم و کارآیی را ایفا می کند.

ساباتینی به نقل از دورلاف اشاره می کند که ادبیات تجربی سرمایه اجتماعی، مملو از تعاریف مبهم، سنجش ضعیف داده ها، فقدان شرایط مقایسه پذیری

و اطلاعات لازم برای پذیرش ادعاهای مطرح شده است (Sabatini, ۲۰۰۵: ۵). سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه با تمرکز بر کشورهای پیشرفته از منظر متفاوتی به سرمایه اجتماعی، در ارتباط با موضوعاتی چون کیفیت زندگی، سرمایه انسانی، سلامتی و توسعه پایدار پرداخته است. این سازمان چهار شاخص عمده برای سرمایه اجتماعی ارائه نمود که عبارتند از: مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و تعلق اجتماعی (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۱). به منظور درک بهتر مولفه‌های سرمایه اجتماعی، در ادامه به اختصار، تعاریف این مولفه‌ها بیان می‌گردد.

اعتماد اجتماعی که شامل سه نوع اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته می‌باشد (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۱). شبکه روابط اجتماعی که ارتباطات بین افراد درون جامعه را مورد کنکاش قرار می‌دهد. مشارکت اجتماعی که به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌گردد (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۳: ۲۸) و مشارکت‌های داوطلبانه در فعالیت‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد (شیخی و کاظمی مقدم، ۱۳۸۶: ۶). و احساس تعلق محصول روابط اجتماعی محسوسی است که توسط جامعه درک شده و تأثیرات زیادی می‌تواند بر روی آسیب‌های اجتماعی به خصوص در شهرها داشته باشد (بارگاهی، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۴).

پانتم شاخص‌های سرمایه اجتماعی را شامل این موارد می‌داند: درصد مشارکت در انتخابات، درصد افراد روزنامه خوان، درصد افرادی که معتقدند بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند، درصد افراد مشارکت کننده در فعالیت‌های داوطلبانه جمعی، درصد افراد عضو انجمن‌ها، درصد افرادی که پیوسته به کلیسا می‌روند، درصد افرادی که سیاست علاقه مند هستند و درصد افرادی که همواره به باشگاه می‌روند (فیلد، ۱۳۸۵). لی، پیکلز و ساویچ، مولفه‌های سرمایه اجتماعی در قالب موارد زیر ارائه می‌دهند: پیوندهای همسایگی، شبکه

اجتماعی و مشارکت مدنی که این ابعاد در ارتباط با اعتماد مورد بررسی قرار می‌گیرند (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

به این دلیل که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی، به هم پیوسته و گره خورده اند، در نتیجه رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می‌افتد. بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در مدت زمان خاصی در برمی‌گیرد. از این رو، زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و به وسیله آن محدود می‌شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می‌شود به همراه شدت آن، به فضا معنی می‌دهد (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

در همین راستا بررسی ساختار شهری، در کنار عوامل کالبدی-فضایی، جز مهمی با عنوان ساختار اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. ساختار اجتماعی و روابط موجود در ساختار شهر، اطلاعات بسیار مهمی را در خصوص شهر، ساختار آن، تحولات پیرامون آن در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

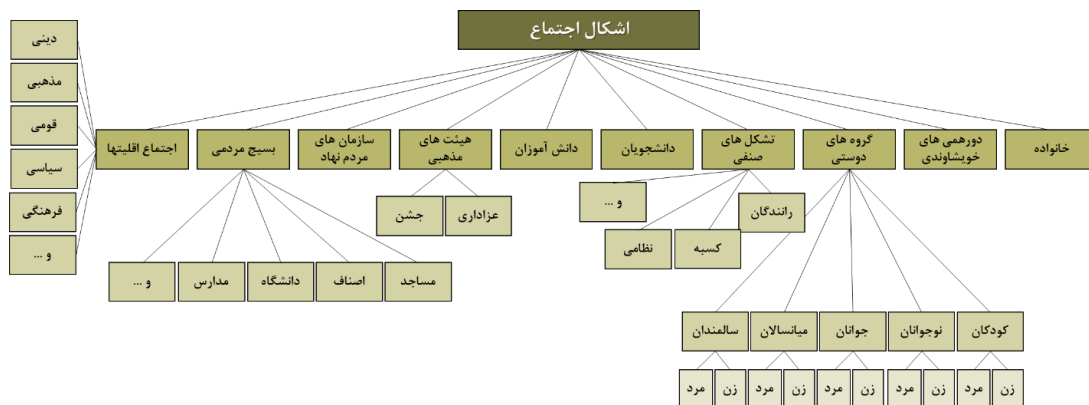
در ابتدای قرن هفتم میلادی، پیدایش اسلام تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را در بسیاری از کشورهای کهن جهان آن روز موجب شد که در کمتر از نیم قرن فرهنگ اسلامی از غرب تا اسپانیا و از شرق تا هند گسترش یافت (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۰۶). در واقع هیچ مذهب و به تبع آن فرهنگی به سرعت دین اسلام در جهان گسترش نیافت و منجر به شکل‌گیری آثار معماری فاخر در جوامع مختلف نگردید.

در هر جامعه، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و هنجارها وجود دارد که به روشنی بر زندگی روزمره دلالت می‌کند. اسلام نیز شامل چارچوبی اجتماعی و مجموعه کاملی از اصول است که می‌تواند تمام نژادها و طبقات اجتماعی را با هم ترکیب کند و بین پیروانش و هم‌چنین با سایر ادیان صلح و دوستی ایجاد نماید. این ترکیب مذهبی، سیاسی و اجتماعی و اتحاد در آرمان‌های حقوقی و اقتصادی بر تمامی جوانب زندگی مسلمانان سایه افکنده است. این



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۳۳



شکل ۷- اشکال اجتماع در شهرهای ایرانی؛ مأخذ: نگارندگان.

اعضای آن جامعه معنادار و مشترک است. وقتی این نظام ارزشی صدمه ببیند و شرایط به شکلی شود که فاقد هرگونه وفاق در مورد اهداف نهایی باشد، نظام دارای بی ثباتی شدید و هرج و مرج می شود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲).

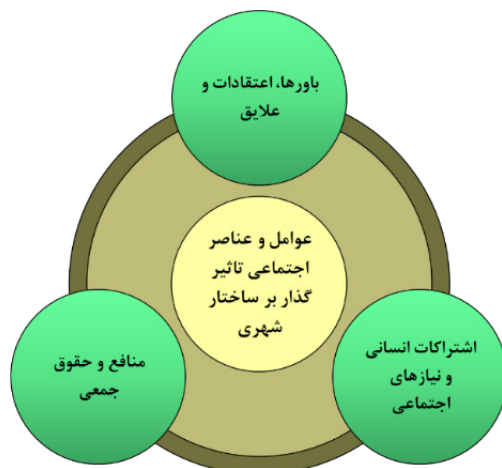
عوامل اجتماعی موثر در شکل‌گیری ساختار شهری و تقویت آن را می‌توان شامل این موارد دانست: اعتماد تعمیم یافته، احساس مسئولیت، تعادل اجتماعی، عام‌گرایی، تعاملات و ... (غفاری و نوابی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). طبق نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز، فرهنگ به عنوان یکی از چهار نظام تاثیرگذار بر کنش افراد متشکل از افکار، ارزش‌ها، هنجارها و باورهاست که به مثابه نیروی عمده‌ای، عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و میانجی کنش متقابل میان کنشگران است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). پیش از تبیین جایگاه عوامل، ویژگی‌ها و عناصر اجتماعی در شکل‌گیری ساختار شهری، بررسی اشکال مختلف اجتماع ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است که یک اجتماع از گروه‌های مختلف تشکیل یافته و هر گروه در پی دستیابی به یک هدف خاص می‌باشد. گروه‌هایی نظیر خانواده، گروه‌های دوستی، هیات‌ها، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) و ... در تصویر ذیل اشکال اجتماع به تصویر کشیده شده است.

تجمع امکانات و بارگذاری‌های رفاهی بیشتر صورت

چارچوب با استفاده از قوانین و تعالیم شریعت اداره می‌شود. اصول چارچوب اجتماع اسلامی، تعهدات و مسئولیت‌هایی هستند که مسلمانان باید در زندگی خود آن‌ها را رعایت کنند (اخوت و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹).

به طور کلی همه جوامع، دارای نظام‌های باور و اعتقاد هستند و وضع اجماع یا وفاق وضع خاصی است که نظام باورها و عقاید در شرایط خاصی پیدا می‌کند. وقتی بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم و بویژه بخش قابل ملاحظه‌ای از گروه‌هایی که در خصوص مسائل مربوط به توزیع امتیازات اقتصادی و سیاسی و دیگر منابع و ارزش‌های کمیاب و شیوه تصمیم‌گیری درباره آن‌ها به توافقی نسبی برسند و در این زمینه با افکار عمومی نیز همسو باشند، وفاق و اجماع نسبی حاصل می‌شود. حصول اجماع و وفاق همواره نسبی است و همواره حداقلی از اختلاف و نزاع بر سر شیوه توزیع ارزش‌ها وجود دارد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۰).

جایی که هر فرد دارای حوزه‌های عمل و نقشی خاص در جهت بهبود عملکرد کل جامعه است افراد وابستگی بیشتری به جامعه و نقش‌های دیگر پیدا می‌کنند و در نتیجه آگاهی فردی بیشتر توسعه پیدا می‌کند و درجه انسجام اجتماعی افزایش پیدا می‌یابد (آلسانتر و دیگران، ۲۰۱۲: ۳۴۶). به عقیده پارسونز، جامعه دارای نظام ارزشی است که برای

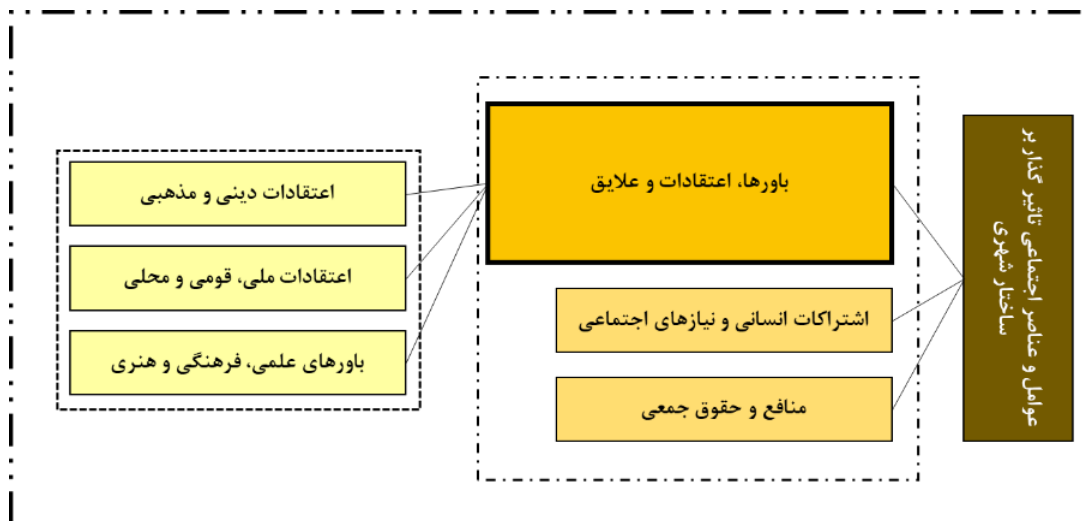


شکل ۸- عوامل و عناصر اجتماعی تاثیر گذار بر ساختار شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

ریشه‌ها سرمنشا آفرینش عوامل اجتماعی بوده و نقش بسیار مهمی را در ساختار شهر، چه معنوی و چه کالبدی ایفا می‌کند. با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه و مطالعه مولفه‌ها و اشتراکات مطرح شده در تحقیقات، می‌توان ریشه‌های عوامل اجتماعی تاثیر گذار بر ساختار شهری را در این سه محوریت خلاصه نمود: باورها و اعتقادات و علایق، اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی، منافع و حقوق جمعی. محوریت اول باورها، اعتقادات و علایق می‌باشد، که خود سه دسته را شامل می‌شود: اعتقادات دینی و مذهبی، اعتقادات ملی، قومی و محلی، باورهای علمی، فرهنگی و هنری. همانطور که پیشتر نیز مورد اشاره قرار گرفت، نیازها و ریشه‌های مطرح شده در تصویر بالا، خود در دو مرتبه در ساختار شهری تاثیر می‌گذارند؛ مرتبه اول در قالب نمودهای اجتماعی هر یک از نیازها و ریشه‌ها و مرتبه دوم نمودهای کالبدی هر کدام از نمودهای اجتماعی شکل گرفته بر پایه ریشه‌های اولیه. در ادامه پژوهش این مهم در ساختار شهری به طور کامل تر مطالعه و بررسی گردیده است.

گرفته در شهرهای بزرگ، افزایش بی سابقه پدیده مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را به ارمغان آورد. ساکنان جدید شهرهای جدید در پی فقدان هویت، به جست و جوی آن می‌پردازند. در همین راستا، تشکل‌های جمعی / قومی شکل می‌گیرد. نمودهای کالبدی این تشکل‌ها را می‌توان شامل این موارد دانست: حسینه همدانیها در تهران، حسینه بروجردی‌ها در تهران، مسجد میانه‌ای‌های مقیم تهران و ... امروزه با افزایش ارتباطات و بهره‌وری از شبکه‌های مجازی، تشکل‌ها و گروه‌هایی نیز میان مهاجران شکل گرفته که وظیفه اطلاع‌رسانی و جذب مردم را بر عهده دارد. از دیگر نکات جالب توجه در این بحث را می‌توان به این امر نیز اشاره نمود که کمک‌های مالی افراد مهاجر و هم‌شهری به این فضاها و در اختیار قرار دادن نیروی انسانی می‌باشد که نقش مهمی را در ساختار بخشی به محله‌های جدید (گاه‌ها اسکان غیررسمی) ایفا می‌کند.

مطالعه و بررسی پژوهش‌های گوناگون در حوزه عوامل و عناصر اجتماعی شهری، تأثیر و تأثر مولفه‌های بسیاری را به منصه ظهور می‌رساند. این مولفه‌ها در اکثریت موارد مشترک بوده و مباحث یکسانی را تحت پوشش خود قرار داده و در سایر موارد، به تبع نیاز پژوهش، بستر مطالعه شده در پژوهش و نوع دیدگاه پژوهشگر مولفه‌های مختلفی مطرح شده‌اند. عوامل اجتماعی-فرهنگی در ساختار محلات در مقیاسی گسترده‌تر در شکل‌گیری و گسترش ساختار شهری تاثیر گذار می‌باشد. در مطالعه حاضر با در نظر گرفتن مولفه‌ها و معیارهای مختلف مطرح شده در خصوص بحث عوامل اجتماعی خاصه سرمایه اجتماعی به موضوعی فراتر از مولفه‌ها با عنوان، سرمنشا مولفه‌ها پرداخته شده است. به عبارتی دیگر آنچه که زمینه و بستر شکل‌گیری عوامل اجتماعی را در شهر فراهم می‌آورد؛ فارغ از مولفه‌های مطرح شده در پژوهش‌های گوناگون؛ شامل ریشه‌هایی نیز می‌باشد. این



شکل ۹- تقسیم بندی محوریت باورها، اعتقادات و علایق، مأخذ: نگارندگان.

بخش نیز به مطالعه نموده‌های اجتماعی، نمودهای کالبدی و مصادیق کالبدی ظهور یافته در ساختار شهری، ساختار بافت های شهری و ساختار محلات پرداخته شده است.

اولین سرمنشا بروز عوامل، عناصر و ویژگی های اجتماعی تاثیر گذار بر ساختار شهری، باورها، اعتقادات و علایق بوده که خود در سه دسته مجزا با توجه به تاثیر گذاری هر حوزه مطرح می گردد: اعتقادات دینی و مذهبی، اعتقادات ملی، قومی و محلی و باورهای علمی، فرهنگی و هنری (تصویر شماره). اعتقادات دینی و مذهبی به عنوان اولین منشا بروز عوامل اجتماعی، در شکل گیری تعاملات جامعه و به تبع آن در رفتار شهروندان بسیار اثرگذار می باشد. اعتقادات دینی و مذهبی در شهرهای ایرانی بسیار با اهمیت و باارزش بوده که همواره اکثریت مردم تمایل به حضور و کنش در چهارچوب آن داشته اند. از نموده های اجتماعی این ریشه، می توان به مواردی نظیر اجتماع در مساجد و حسینیه ها، دسته های عزاداری، جشن ها و ... اشاره نمود. نموده های اجتماعی در جهت به منصفه ظهور رسیدن، نیاز به وجود کالبدی داشته تا در آن به صورت ملموس تر دیده شوند. نموده های کالبدی این نموده های اجتماعی فضاهایی نظیر حسینیه،

۴- بحث و یافته های پژوهش (تاثیر عناصر اجتماعی در شکل گیری و توسعه ساختار شهری)

محیط و اجتماع (فرهنگ) بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند. همانگونه که انسان براساس باورها، آئین، جهان بینی، فرهنگ خویش محیطی را می سازد که بتواند ضمن آن که آئینه اصول و ارزش هایش بوده و او را در جهت وصول به آنها یاری نماید، در دهه های اخیر به انحاء گوناگون این موضوع نیز مورد بررسی و تایید قرار گرفته که مختصات محیط تاثیر جدي بر اجتماع خاصه رفتارهای انسان دارد (نقی زاده، ۱۳۸۱). آنگونه که به نظر می رسد، موضوع آئین ها، اعتقادات و باورهای مردم محوریتی با اهمیت در شهرهای های ایرانی می باشد.

مطالعه پژوهش های مختلف در خصوص تاثیر عوامل اجتماعی در ساختار شهری فقدان ریشه یابی عوامل موثر در شکل گیری خود مولفه های اجتماعی را منصفه ظهور می رساند. این امر در پژوهش حاضر به بررسی و ارزیابی گذاشته شد و ریشه ها و یا به عبارتی دیگر سرمنشا بروز عوامل اجتماعی در شهرها تدقیق شده و در قالب سه محوریت: باورها و اعتقادات و علایق، اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی، منافع و حقوق جمعی ارائه گردید. در این

تکایا، مساجد و ... را به ساختار شهرهای ایرانی افزود. اعتقادات ملی، قومی و محلی موضوعیت دوم در بحث باورها، اعتقادات و علایق می باشد. تمدن ها شهرها را به وجود می آوردند و شهرها به واسطه این امر در بستر خود باورهای را پرورش می دهد. این باورها، در قالب باورهای ملی، باورهای محلی و نهایتاً باورهای قومی مطرح می شود. نمودهای اجتماعی این امر شامل بازیهای ملی و محل، دورهمی های خویشاوندی و ... بوده و نمود کالبدی آن مکان مسابقات کشتی و ... می باشد. باورهای علمی، فرهنگی و هنری سومین جز این مجموعه را شکل می دهد. همخوانی باورهای فرهنگی، علمی و هنری خود زمینه دیگری برای تعاملات اجتماعی بین مردم را فراهم می آورد. سمن های محیط زیستی و اجتماعی و مذهبی، شبکه های اجتماعی نمودهای اجتماعی این مورد بوده که نمودهای کالبدی آن شامل فرهنگ سراها، خانه های علمی، خانه های هنر و ... است.

دومین ریشه شکل گیری عوامل اجتماعی، اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی می باشد. تمایل انسان به حضور در اجتماع وهم صحبتی با فرد دیگر، از جمله نیازهای اساسی وی بوده و این امر در ساختار شهرهای ایرانی خاصه ساختار محلات شهری، تأثیرات جالبی را از خود به نمایش گذاشته است. به عنوان مثال در این ریشه، نمودهای اجتماعی مشتمل بر اجتماعات زنان، اجتماعات جوانان و سالمندان، تعاملات همسایگی و ... بوده که نمود های کالبدی آن فضاهایی نظیر سرای محله، مرکز محله، شوادان و ... را به ساختار وارد نموده است. آخرین سرمنشا شکل گیری عوامل اجتماعی در شهرهای ایرانی، بحث منافع و حقوق جمعی می باشد. موضوع منافع و حقوق مشترک، خود زمینه ای مناسب را برای تعامل فراهم می آورد. این امر در ساختار شهرهای ایرانی نیز به چشم می خورد. نمودهای اجتماعی این امر، وجود گروه های صنفی مختلف، گروه های ورزشی و ... بوده که نمود های

کالبدی آن راسته های بازار، دفتر مدیریت صنف و ... می باشد. ریشه های شکل گیری عوامل اجتماعی در شهرهای ایرانی، نمودهای بسیار بالارزش و اصیلی را در ساختار شهری وارد نموده و بر غنای آن افزوده است. این مهم در جدول شماره به تفصیل مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

همانطور که در مباحث پیشین و جدول شماره اشاره گرفت، موضوع عوامل اجتماعی پیش از بررسی مولفه ها، نیاز به مطالعه ریشه های آن مطرح بوده که در پژوهش حاضر این ریشه ها در قالب سه محوریت تبیین گردید. هر ریشه و سرمنشا خود در کنار نمودهای های اجتماعی، نمودهای کالبدی نیز دارا بوده که این نمود های کالبدی در ساختار شهر های ایرانی بسیار تأثیر گذار بوده و به نوعی بر اصالت و غنای آن افزوده است. وجود فضاهایی نظیر کوچه های روستایی، کوچه باغ ها، شوادان ها، فرهنگسراها، تکایا، حسینیه های اعظم شهر، مساجد، مصلی و ... خود گواه بر مدعاست.

۶- نتیجه گیری

مفهوم ساختار را می توان از جمله موضوعات مهم و کلیدی عنوان نمود که در حوزه های دانشی مختلفی وارد شده است. اصلی ترین موضوع در بحث ساختار وجود رابطه بین اجزای یک کل و وجود رابطه میان اجزا با کل می باشد. مفهوم ساختار در شهرسازی نیز مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان ساختار شهری مطالعات گسترده ای پیرامون آن شکل گرفته است. ساختار شهر را می توان ابزاری در جهت بازشناسی شهر و نظام حاکم بر پدیده شهر قلمداد نمود. پژوهش حاضر در پی بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در شکل گیری ساختار شهری، به بررسی مفهوم ساختار، ساختار در حوزه های مختلف دانشی و ساختار در شهر پرداخته است. پس از تدقیق مفهوم ساختار شهری، مولفه های شکل گیری ساختار شهر تبیین گردیده است. مولفه های شکل گیری ساختار شهری پس از مطالعه پژوهش های مرتبط و مولفه های مطرح شده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۳۷

جدول ۳- عوامل و عناصر اجتماعی تاثیر گذار بر ساختار شهری، مأخذ: نگارندگان.

عوامل و عناصر اجتماعی موثر در ساختار شهر				
ریشه ها	باورها، اعتقادات و علایق			منافع و حقوق جمعی
	اعتقادات دینی و مذهبی	اعتقادات ملی، قومی و محلی	باورهای علمی، فرهنگی و هنری	اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی
نمودهای اجتماعی	اجتماع مساجد و حسینیه‌ها، دسته‌های عزاداری، جشن‌ها،	بازیهای ملی و محلی/ دورهمی‌های خویشاوندی/ اجتماعات محلی و شهری در مناسبتهای فرهنگی و سیاسی	سمن‌های محیط زیستی و اجتماعی و مذهبی، شبکه‌های اجتماعی، کانونهای هنری و ادبی	اجتماعات زنان/ اجتماعات جوانان و سالمندان، تعاملات همسایگی،
نمودهای کالبدی	اماکن مذهبی، مسیرهای عزاداری/ حسینیه/ تکایا/ مسجد/ گورستانها	مکان مسابقات کشتی با جوخه، مسابقات اسب سواری، مراسم نوروز، زیارت قبور	فرهنگسراها، خانه های علمی، خانه های هنر و ادبیات،	سرای محله، مرکز محله، شوادان/ کوچه/ گذر/ کوی/ بن بست/
مصادیق کالبدی	حرم مطهر امام رضا(ع)، امامزاده عبدالعظیم ری، آیین غسل هندوها در رود سند، تکایای تفرش	کوچه های روستایی، چشمه‌های روستایی، تعاملات اجتماعی در پشت بامهای روستایی	فرهنگ سراهای تهران،	سرای محلات تهران، مدارس
تصاویر و نمونه هایی از مصادیق کالبدی				
باورها، اعتقادات و علایق				اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی
	حرم مطهر امام رضا (ع)	تکایای تفرش	مراسم غسل هندوها	
	سراهای بازار تبریز و عزاداری	کوچه های روستایی	فرهنگسراهای تهران	
اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی				منافع و حقوق جمعی
	شوادان ها و ارتباطات همسایگی	سرای محله	سبزه میدان و مراسم عزاداری	
منافع و حقوق جمعی				
	راسته های بازار تاریخی	استادیوم های فوتبال	حضور مردم در سراها و تیمچه های بازار	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۳۸

در آن ها در قالب هشت محور عوامل طبیعی-زیست محیطی شهر، عوامل مصنوع شهر، عوامل سیاسی، عوامل حقوقی، عوامل نظامی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و عوامل اعتقادی-مذهبی عنوان شد. موضوع مهم در این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی بوده و به تبع این مهم، عوامل عناصر و ویژگی های اجتماعی در شهرهای ایرانی مطالعه شد. در بیشتر پژوهش ها، تمرکز بر تبیین مولفه ها بوده اما در این تحقیق، به بازشناسی ریشه ها و سرمنشا این مولفه ها پرداخته شده است. ریشه های شکل گیری عوامل اجتماعی در سه دسته تحت عناوین باورها و اعتقادات و علایق، اشتراکات انسانی و نیازهای اجتماعی، منافع و حقوق جمعی قرار داده شد. در ادامه پژوهش نموده های اجتماعی این ریشه ها مشخص شد. موضوع کلیدی در این بحث تاثیر این نموده های اجتماعی در ساختار شهر می باشد. نموده های اجتماعی در شهر، در راستای ملموس شدن نیاز به یک کالبد دارد، در همین راستا نموده های کالبدی نموده های اجتماعی ریشه ها عنوان گردید. نموده های کالبدی و مصادیق آن در شهرهای ایرانی تاثیر بسزایی در ساختار شهری داشته است و به نوعی در تکمیل، تعالی و اصالت ساختار شهرهای ایرانی نمود یافته است. فضاهایی نظیر شوادان ها، مساجد، حسینیه ها، مصلی، کوچه های روستایی، مراکز و سرای محلات و ... از مصادیق بارز نموده های اجتماعی تاثیر گذار بر ساختار شهرهای ایرانی هستند. وجود رابطه دو طرفه میان بحث عوامل اجتماعی و ساختار شهری، تعالی در هر وجه، منجر به تعالی در جبهه دیگر نیز می شود به عبارتی دیگر ارتقا کیفیت های اجتماعی تعالی ساختار را به همراه داشته و تکامل ساختار عوامل اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. امید است پژوهش حاضر با بررسی جایگاه این مهم در شهرهای ایرانی، موجبات توجه به این امر را فراهم آورده و دریچه های جدیدی را در بحث جزئیات ساختار شهرهای ایرانی بگشاید.

منابع و مأخذ

- (۱) اخوت، هانیه. الماسی فر، هانیه. بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. انتشارات هله، تهران.
- (۲) پاپلی یزدی، محمدحسین. حسین رجبی سانجردی. (۱۳۹۰). نظریه های شهر و پیرامون. انتشارات سمت، تهران.
- (۳) بوردیو، پی.یر. (۱۳۸۹). شکل های سرمایه در سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). به کوشش کیان تاجبخش، تهران: تیراژه.
- (۴) پرستش، شهرام. (۱۳۸۵). صورت بندی میدان تولید ادبی در ایران معاصر. رساله دکتری، رشته جامعه شناسی نظری-فرهنگی، دانشگاه تهران.
- (۵) طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۱۶۱-۱۸.
- (۶) ذکاوت، کامران. (۱۳۹۰). جایگاه سازمان فضایی در طراحی شهری. نشریه علمی-پژوهشی صفه، شماره ۵۴، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- (۷) کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۵). شهرهای اسلامی، نظری اجمالی به شهر و شهرنشینی. فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- (۸) منصوری، سید امیر. محمدزاده، شبنم. (۱۳۹۶). تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار. نشریه باغ نظر، شماره ۵۱، صص ۳۲-۲۱.
- (۹) بشیریه، حسین. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه شناسی اجماع و وفاق. فصلنامه ناقد، شماره ۳، (۱۰) بیکن، ادmond. (۱۳۸۶). طراحی شهرها. ترجمه: فرزانه طاهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- (۱۱) لینچ، کوین. (۱۳۷۲). سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- (۱۲) مولائی، اصغر. پیربابایی، محمدتقی (۱۳۹۷): بازشناسی فضاهای مذهبی به عنوان عناصر نشانه ای در ساختار شهرهای ایران نمونه موردی شهر ری، نشریه علمی و پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۵۱،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۳ زمستان ۹۷
No.53 Winter 2019

۱۳۹

صص ۲۴۳-۲۵۸.

۱۳) منتظری، مرجان. جهانشاهلو، لعل. ماجدی، حمید. (۱۳۹۶). تحولات ساختار کالبدی-فضایی شهر یزد و عوامل موثر بر آن. نظریه مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۲۱، صص ۲۷-۴۲. ۱۴) زیاری، کرامت الله. (۱۳۷۸). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه‌ای. انتشارات دانشگاه یزد، یزد. ۱۵) توسلی، محمود (۱۳۷۶): اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ چهارم.

۱۶) نظریان، اصغر. (۱۳۷۰). گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک های اقماری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، صص ۹۷-۱۳۹.

۱۷) حیدری، آرش. رضادوست، کریم. فروتن کیا، شهروز. (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نمادی و قانون گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. نشریه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، صص ۳۹-۵۹.

۱۸) غفاری، غلامرضا. نوابی، میثم. (۱۳۸۸). تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان. دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۰۷-۲۳۱.

۱۹) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). سنجش میزان فائالیسم و رابطه آن با احساس کارآمدی و احساس بی قدرتی سیاسی در بین زنان بالغ مناطق شهری کشور. نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ۹، صص ۱۶۹-۲۰۱.

۲۰) بارگاهی، رضا. (۱۳۹۲). تحلیلی بر پایداری شهرهای جدید. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی اکبر نجفی کانی، دانشگاه گلستان، گرگان.

۲۱) نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۱، شماره ۱۱، صص ۶۲-۷۶. ۲۲) شیخی، آرام. سوما کاظمی مقدم. (۱۳۸۶).

سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری. دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۲۳) عبدالهی، محمد. موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار. فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۵.

۲۴) غیاثوند، الهام. (۱۳۸۸). تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری (نمونه موردی: محلات بریانک، پمپ بنزین، مقتدایی گلستان، قلعه). تقوایی، علی اکبر، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه شهرسازی.

۲۵) فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان نظم: سرمایه ی اجتماعی و حفظ آن. ترجمه ی غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ی ایرانیان.

۲۶) فیلد، جان. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. ترجمه جلال متقی، تهران، موسسه عالی و پژوهش تامین اجتماعی.

27) Cheng, J., Jan, T., MingjunPeng, N. D., & Peter, H. (2006). Urban land administration and planning in China: Opportunities and constraints of spatial data models. Land Use Policy, 23, 4.

28) Rodrigue, J. P., Claude, C. and Brian, S. (2009). The Geography of Transport Systems, New York: Routledge.

29) Alcantara, Edinea. Furtado, Fatima. Circe, Monteiro (2012). "Solidarity and mutual assistance in low-income communities: every practices to overcome scarcity and improve quality of life, Recife, Brazil", social and behavioral sciences, 35, pp 344-352.

30) Putnam, R. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital", Journal of Democracy, 6.